

قطب‌نمای گِیج قیمت‌ها در بازار نفت

اختلاف کم‌سابقه میان شاخص‌های اصلی بازار انرژی چه پیامی برای آینده قیمت نفت دارد؟



محمد حقگو
economice@khorasannews.com

بازار جهانی نفت این روزها در وضعیتی پرابهام قرار دارد. در حالی که قیمت هر بشکه نفت برنت و وست‌تگزاس اینترمَدیت (WTI) در محدوده ۱۰۰ دلار نوسان می‌کند، سبد نفتی اوپک به حدود ۱۲۱ دلار رسیده است؛ اختلافی ۲۰ دلاری که در دهه اخیر سابقه نداشته است. در شرایط معمول، فاصله قیمتی میان این شاخص‌ها تنها چند دلار است، اما حالا این شکاف جدی پرسش‌هایی را درباره واقعیت قیمت نفت در بازار جهانی ایجاد کرده: آیا شاخص‌های مالی غربی هنوز تصویر درستی از قیمت واقعی نفت می‌دهند، یا بازار جهانی دچار دوگانگی قیمتی شده است؟ تفاوت‌های قیمتی که البته پایدار نخواهند ماند.

شکاف میان نفت فیزیکی و نفت کاغذی

به گزارش خراسان، گزارش‌های تحلیلی نشان می‌دهد بخشی از وضعیت قیمت‌های چندگانه از اختلاف میان بازار واقعی نفت و بازار قرار دادهای آتی ناشی می‌شود.

«روی جانسون»، پژوهشگر حوزه انرژی، معتقد است قیمت واقعی نفت ممکن است بسیار بالاتر از واقعی باشد که در بازارهای آتی دیده می‌شود. او با مقایسه قیمت سوآپ نفت فیزیکی دبی با قرار دادهای آتی برنت نشان داده است در حالی که معاملات آتی در محدوده ۱۰۰ دلار انجام می‌شود، بهای معاملات فیزیکی در غرب آسیا به

حدود ۱۴۰ دلار در هر بشکه رسیده است.

این اختلاف به معنای افزایش تقاضای واقعی برای تحویل نفت به دلیل ریسک‌های ژئوپلیتیکی اخیر است و نشان می‌دهد بازار مالی (نفت کاغذی) نتوانسته فشار سمت تقاضا در بازار فیزیکی را منعکس کند. کریس مارتینسون، اقتصاددان آمریکایی، نیز تأیید کرده که «قیمت واقعی هر بشکه نفت ممکن است حدود ۴۰ دلار بیشتر از قیمت معاملات آتی باشد.»

نفت اوپک هم از برنت و WTI جلو زد!

در کنار این شکاف میان بازارهای فیزیکی و



مالی، اختلاف بی‌سابقه میان قیمت نفت اوپک با برنت و وست‌تگزاس نیز توجه تحلیلگران را جلب کرده است. در گذشته، بهای سبد نفتی اوپک معمولاً اندکی کمتر از برنت و اندکی بیشتر از WTI بود و این فاصله معمولاً از ۳ دلار فراتر نمی‌رفت. اما اکنون این الگو دگرگون شده: قیمت نفت اوپک به حدود ۱۲۱ دلار رسیده، در حالی که برنت در مرز ۱۰۳ دلار و WTI حدود ۹۹ دلار در هر بشکه معامله می‌شود. به باور تحلیلگران بخش مهمی از این واگرایی ناشی از تفاوت ماهیت معاملات است: شاخص

های برنت و WTI به شدت تحت تأثیر بازارهای مشتقه و معاملات مالی اند، اما سبد اوپک مستقیماً با معاملات فیزیکی و جریان واقعی عرضه و تقاضای جهانی وابسته است. در نتیجه، قیمت نفت اوپک ممکن است تصویر واقعی‌تری از تنگنای بازار جهانی ارائه دهد. افزون بر این، آزادسازی ذخایر استراتژیک در آمریکا و اروپا و فشارهای سیاسی با شائبه دستکاری قیمتی، احتمالاً موجب شده نرخ برنت و WTI کمتر از سطح واقعی بازار باقی بماند.

هشدار مدیر بزرگ بازار مشتقات به واشنگتن

همزمان، بحث احتمال دخالت دولت آمریکا در بازارهای آتی نفت با واکنش‌های تند روبه‌رو شده است. «تری دافی»، مدیر عامل گروه CME – بزرگ‌ترین بورس معاملات آتی جهان – هشدار داده است هر گونه مداخله برای پایین نگه داشتن مصنوعی قیمت‌ها می‌تواند برای اقتصاد جهانی «فاجعه‌بار» باشد. او تصریح کرده است: «چنین اقداماتی اعتماد سرمایه‌گذاران به سازوکار قیمت‌گذاری را از میان می‌برد و بنیان بازار را متزلزل می‌کند.» دافی تأکید کرده که ثبات بازار مشتقات بر

در گفت وگویی اختصاصی خراسان با صاحب نظر حوزه تمدن اسلامی بررسی شد

مختصات اقتصاد مردم‌پایه

محمد حقگو - رهبر شهید انقلاب در سال ۱۳۸۶ موضوع «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» را به‌عنوان رهیافتی نو و بومی در برابر آنچه در ادبیات کلاسیک اقتصاد «توسعه» نامیده می‌شود، مطرح کردند؛ الگویی که یکی از وجوه تمایز آن، تعریف جایگاه انسان بر اساس بینش و نگرش واقعی و مبتنی بر تعالیم اسلام است. از آن زمان تاکنون تلاش‌های مختلفی برای صورت‌بندی این ایده انجام شده که از جمله آن می‌توان به «سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» اشاره کرد. با این حال، برخی صاحب‌نظران معتقدند این مطالعات هنوز آن‌گونه که باید به عرصه واقعی اقتصاد راه نیافته است. در این میان، یکی از کوشش‌های قابل توجه، پژوهش‌هایی است که در چارچوب تدوین «نقشه جامع تمدن اسلامی» در حوزه علمیه قم صورت گرفته است. به گفته حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، این نقشه حاصل نزدیک به دو دهه بحث و بررسی در حوزه‌های مختلف تمدنی است و نتایج کاربردی متعددی نیز به همراه داشته است. حضور این پژوهشگر و صاحب‌نظر حوزه تمدن اسلامی در مشهد، فرصتی فراهم کرد تا درباره دستاوردهای این مطالعات، به‌ویژه چارچوب اقتصاد مردم‌پایه در نقشه تمدنی، با او گفت‌وگو کنیم. گزیده‌ای از مهم‌ترین محورهای این گفت‌وگو (که چند روز پیش از آغاز تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران انجام شده) را در ادامه می‌خوانید. در خور ذکر است در مجال اندک موجود، امکان پرداختن کامل به همه ابعاد بحث فراهم نبوده است؛ همچنین بدیهی است تحقق کامل چنین ایده‌هایی در سطح کلان نیازمند بررسی همه‌جانبه و اصلاح تدریجی در عمل خواهد بود. با این حال نمی‌توان از ارزش محوری این رویکرد در بازتعریف هدف اقتصاد و بازگرداندن مشارکت عمومی به نظام تولید چشم‌پوشی کرد.

خراسان: در ابتدا بفرمایید مهم‌ترین

دستاوردهای بررسی‌های شما درباره الگوی

اسلامی پیشرفت چه بوده است؟

خروجی گفت‌وگوهای علمی و کارشناسی در شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در یک جمله «نقشه جامع تمدن اسلامی» است. این نقشه سه ویژگی مهم دارد. نخست این که مسئله محور است و دست کم صد مسئله مهم تمدنی را به صورت کاربردی تحلیل می‌کند. دوم آن که بدون اقتباس از مفاهیم حسی و پوزیتیویستی رایج در نظام کارشناسی جهانی تدوین شده است؛ مفاهیمی که آخرین محصول آن‌ها را می‌توان در اسنادی مانند سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل مشاهده کرد. به نظر ما این اسناد به دلیل شناخت ناقص از انسان و نیازهای او نتوانسته‌اند مشکلات اساسی جهان را حل کنند؛ از جمله در حوزه عدالت، سلامت و محیط زیست. ویژگی سوم این است که تحلیل مسائل در این نقشه بر اساس آیات و روایات و بایک روش پژوهشی مشخص انجام شده تا از دانش وحی (به عنوان یک دانش خطاناپذیر) در تحلیل مسائل معاصر بیشترین بهره گرفته شود.

خراسان: در حوزه اقتصاد، مهم‌ترین دستاوردهای این مطالعات چه بوده است؟

در بخش بحث‌های اقتصادی نقشه جامع تمدن اسلامی – که به اصطلاح به آن فقه المکاسب با تبویب (دسته بندی) جدید می‌گوییم – ۹ سر فصل بسیار مهم داریم که (به اقتضای زمان جلسه) به برخی از آن‌ها می‌پردازم.

عدالت

بسیاری از سیاست‌های اقتصادی رایج تلاش می‌کنند عدالت را از طریق ابزارهای بازتوزیعی مانند یارانه‌های حمایتی تحقق بخشند. این سیاست‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت بخشی از مشکلات را کاهش دهند، اما به تنهایی عدالت پایدار ایجاد نمی‌کنند. در نقشه جامع تمدن اسلامی حدود ۱۰ ایده عدالت بنیان مطرح شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها توزیع گسترده‌تر نهاده‌های تولید است. منظور از نهاده‌های تولید، منابعی مانند زمین، معادن و جنگل هاست.

زمین: به عنوان مثال می‌توان زمین را در اختیار ۲۵ میلیون خانواده ایرانی قرار داد تا امکان تولید پیدا کنند. این در حالی است که از ۲۵ میلیون خانواده وقتی لااقل ۱۵ میلیون خانواده زمین برای شغل در اختیار ندارند پس در نتیجه قدرت تولید هم ندارند و اساساً نمی‌توانند وارد حوزه تولید شوند.

معادن: در باره معادن نیز چنین ظرفیتی وجود دارد. ما می‌توانیم معادن را که مالکیت آن در اختیار امام معصوم هست به صورت عادلانه بین مردم توزیع کنیم به عنوان مثال یک معدن در یکی از شهرهای ایران هست که حدود ۷۰ هزار نفر، سود آن معدن را می‌برند. در نتیجه معادن را می‌توانیم بایک الگوی خاصی اداره کنیم که همه مردم فوایدش را ببرند. در بررسی‌های انجام شده، فهرستی از معادن مورد بررسی و پیشنهاد قرار گرفته که امکان بهره‌برداری خرد حتی خانواده محور از آن وجود دارد. مشابه ایده‌هایی مانند میکروپالایشگاه‌ها که فرایندهای صنعتی را در مقیاس کوچک‌تر تعریف می‌کنند.

جنگل‌ها: در کشور ما به صورت متعدد، آتش سوزی در جنگل اتفاق می‌افتد. در خوزستان، لرستان، شمال کشور و... شاید معروف‌ترین آتش سوزی که همین امسال اتفاق افتاد، آتش سوزی در جنگل‌های هیرکانی بود و وقتی این آتش سوزی‌ها اتفاق می‌افتد و گزارش‌های رسمی و غیررسمی درباره علت آتش سوزی منتشر می‌شود، این گزارش‌ها تقریباً در یک نقطه مشترک هستند که علت آتش سوزی، وجود علف‌ها و چوب‌های خشک زیاد در جنگل است. ما در کشورمان به اسم محافظت از جنگل‌ها، اجازه بهره‌برداری از این علف‌ها و چوب‌های خشک را به هیچ کس نمی‌دهیم. با این حال اگر چرای دام در جنگل‌ها و مراتع به صورت قاعده مند آزاد شود یا بهره‌برداری عمومی از چوب جنگل‌ها چه برای استفاده برای سوخت و چه برای اوصاف و صنایع مرتبط آزاد اعلام شود، می‌توان از این ظرفیت به نفع رونق بخش دیگری از اقتصاد و تولید مردم پایه کمک کرد. موضوعی که از منظر افزایش عرضه نهاده‌های دامی و خوراک دام، حتی به افزایش تولید و کاهش قیمت گوشت و لبنیات می‌تواند کمک کند.

از سوی دیگر با افزایش عرضه چوب خشک، امکان تأمین بخشی از سوخت کشور از ناحیه این چوب‌ها وجود خواهد داشت. توضیحی که لازم است این جا بیان شود این است که در خیلی از کشورهای توسعه یافته، از سوخت پاک چوب استفاده می‌شود و این، با اصل معقول تنوع بخشی به سبد انرژی کشور نیز سازگار است. بنابراین اگر هدف تقویت عدالت اقتصادی است، باید الگوی تولید به سمت خردتر شدن و مردمی‌تر شدن حرکت کند.

بازار

یکی دیگر از سرفصل‌های نقشه جامع تمدن اسلامی در حوزه اقتصاد، تعریف جدید از بازار است. بررسی ایده‌های اقتصادی امیرالمومنین (ع) – که به جرئت می‌توان گفت ایشان برجسته‌ترین اقتصاددان طول تاریخ بشر (است)، نشان می‌دهد بازارهایی ایجاد می‌کردند که غرفه‌های آن به صورت رایگان یا موقت در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌گرفت. در چنین الگویی هزینه محل کسب برای تولیدکننده تقریباً صفر می‌شود. اگر چنین ایده‌ای در مقیاس گسترده‌تر اجرا شود، می‌تواند انگیزه ورود افراد بیشتری به عرصه تولید و تجارت را فراهم کند و توزیع درآمد را عادلانه‌تر سازد. از سوی دیگر با غیرمتمرکز شدن شبکه تولید و توزیع، اقتصاد از نظر امنیتی و پدافند غیرعامل نیز مقاوم‌تر خواهد شد.

بازخوانی مشاغل انبیا و ائمه

یکی از کارهایی که در مطالعات پشتیبان نقشه تمدنی انجام شده، بازخوانی کسب و کارهای انبیا و ائمه است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد آن‌ها فعالیت‌های اقتصادی موفق داشته‌اند. به عنوان مثال امیرالمومنین (ع) یکی از پولدارترین افراد عصر خودشان بوده‌اند. شاید وجود مبارک امیرالمومنین (ع) حتی در زمانی که خلافت را به عهده‌نداشتند، به اندازه هفتاد و هفت هزار نفر از مردم مدینه و مکه و یمن و عراق و فارس و... شاید معروف‌ترین آتش سوزی در جنگل‌های هیرکانی بود و وقتی این آتش سوزی‌ها اتفاق می‌افتد و گزارش‌های رسمی و غیررسمی درباره علت آتش سوزی منتشر می‌شود، این گزارش‌ها تقریباً در یک نقطه مشترک هستند که علت آتش سوزی، وجود علف‌ها و چوب‌های خشک زیاد در جنگل است. ما در کشورمان به اسم محافظت از جنگل‌ها، اجازه بهره‌برداری از این علف‌ها و چوب‌های خشک را به هیچ کس نمی‌دهیم. با این حال اگر چرای دام در جنگل‌ها و مراتع به صورت قاعده مند آزاد شود یا بهره‌برداری عمومی از چوب جنگل‌ها چه برای استفاده برای سوخت و چه برای اوصاف و صنایع مرتبط آزاد اعلام شود، می‌توان از این ظرفیت به نفع رونق بخش دیگری از اقتصاد و تولید مردم پایه کمک کرد. موضوعی که از منظر افزایش عرضه نهاده‌های دامی و خوراک دام، حتی به افزایش تولید و کاهش قیمت گوشت و لبنیات می‌تواند کمک کند.

وجود مبارک امیرالمومنین (ع)، حدود ۱۰۰ کالای اقتصادی را برای جامعه معاصر خودشان تولید می‌کردند و در اختیار قرار می‌دادند. یعنی یک تولیدکننده بزرگ مواد غذایی بودند و همزمان هم صنعت و لوازم صنعتی متناسب با کسب و کار خودشان را تولید می‌کردند.

خود هشدار داده است اگر صادرات نفت خلیج فارس طی هفته‌های آینده مختل شود، بهای برنت می‌تواند تا ۱۵۰ یا حتی ۲۰۰ دلار افزایش یابد.

این نشریه یادآور شده است که جهش قیمت انرژی ممکن است اقتصاد جهانی را وارد کودی تازه کند؛ شرایطی مشابه سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ که بحران نفتی یکی از عوامل زمینه‌ساز سقوط بازارهای مالی بود.

بازاری با قطب‌نمای از کار افتاده

در مجموع، آنچه امروز در بازار نفت دیده می‌شود، فراتر از نوسان‌های معمول قیمتی است. شکاف گسترده میان نفت فیزیکی و نفت کاغذی، اختلاف بی‌سابقه شاخص‌های اوپک و غربی و هشدار درباره مداخلات احتمالی دولت‌ها، همگی نشانه‌ای از بازاری‌اند که قطب‌نمای قیمتی آن از کار افتاده است. به نظر می‌رسد اگر تنش‌های ژئوپلیتیکی یا محدودیت‌های عرضه در خلیج فارس یا ادامه یابد، مسیر این قطب‌نما مشخص خواهد شد و پیش‌بینی نفت ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلاری و خداحافظی – دست کم در میان مدت – با نفت دورقمی از محدوده احتمال به واقعیت خواهد پیوست.



تولید می‌شود، همه‌اش دارد باز یافت می‌شود و یا این در حال اثرگذاری بر منابع آبی و زمین‌های شمال کشور است؟ در همه‌جای جهان این مسئله مطرح است. به نظر من زمین بیش از این توان تحمل آلودگی را ندارد. بنابراین مدل تولید فعلی به دلیل ضربه زدن به محیط زیست، حتماً در آینده منسوخ اعلام خواهد شد. این که در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ راه‌حلی‌هایی مطرح شده برای حفظ محیط زیست (از جمله ایده کرین صفر و پاک‌بودن انرژی‌های نو انرژی‌های پاک و...)، این‌ها همه از سنخ همان راهکارهای تحقق عدالتی است که محقق نخواهد شد. حتی در خصوص حوزه‌هایی مانند صفحه‌های خورشیدی برای تولید برق که از آن به عنوان سوخت پاک یاد می‌شود، می‌توان گفت اتفاقاً پس از چند سال، آلودگی ناشی از صفحات خورشیدی‌ای که مستهلک و از رده خارج شده‌اند، بسیار پیچیده‌تر از سوخت‌های دیگر خواهد بود.

لزم تحول در شاخص کیفی سنجش اقتصاد

در انتهای بحث باید بگویم یکی از نتایج اصلی مطالعات ما این است که شاخص‌های ارزیابی اقتصاد باید دچار تحول شود. در حال حاضر اقتصادها عمدتاً با شاخص‌های کلان متعارف سنجیده می‌شوند، در حالی که می‌توان شاخص‌های دیگری نیز در نظر گرفت. برای مثال اقتصادی‌ای را می‌توان پیشرفته‌تر دانست که در آن تولید کالاها یا طبیب با جامع بیشتر باشد یا فرصت‌های فعالیت اقتصادی مستقل برای مردم افزایش یابد. چنین شاخص‌هایی می‌توانند تصویر دقیق‌تری از کیفیت پیشرفت اقتصادی ارائه دهد. **خراسان: سیاست‌گذاریم از توضیحات شما، البته پرسش‌های دیگری نیز درباره موضوعاتی مانند اقتصاد دانش‌بنیان، نقش تعاونی‌ها یا نحوه حفظ استانداردها در تولید مردم‌پایه وجود دارد که امیدواریم در فرصت‌های بعدی به آن‌ها بپردازیم.** من هم از شما تشکر می‌کنم. در مطالعات فقه المکاسب با تبویب جدید موضوعات متعددی مانند ارز و پول، نقدینگی، مالکیت، تأمین مالی پروژه‌ها و مسائل دیگر نیز بررسی شده است که پرداختن به آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

شفافیت و اعتماد استوار است و دستکاری احتمالی قیمت‌ها می‌تواند بحران‌هایی غیر قابل پیش‌بینی در نظام مالی جهانی به همراه داشته باشد.

آزادسازی ذخایر؛ ابزاری با اثر محدود

در هفته‌های اخیر برخی دولت‌های بزرگ مصرف‌کننده انرژی، برای کنترل قیمت‌ها اقدام به آزادسازی بخشی از ذخایر استراتژیک خود کرده‌اند. اما کارشناسان تأکید دارند که این ابزار تنها می‌تواند تأثیری موقت داشته باشد. جاشوا لندیس، استاد دانشگاه اوکلاهاما می‌گوید: «حتی اگر ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از ذخایر استراتژیک کشورهای گروه G۷ آزاد شود، حداکثر روزانه دو میلیون بشکه از آن می‌تواند به بازار افزوده شود؛ یعنی عرضه کامل این حجم حدود ۲۰۰ روز زمان می‌برد. در مقیاس مصرف ۱۰۰ میلیون بشکه‌ای روزانه، این رقم ناچیز است.»

او هشدار داده در صورت بروز اختلال در مسیرهایی همچون تنگه هرمز، آزادسازی ذخایر نمی‌تواند جایگزین نفت واقعی شود و قیمت‌ها احتمالاً از مرز ۱۵۰ دلار فراتر خواهد رفت.

نفت ۲۰۰ دلاری در پیش‌بینی‌ها

نشریه اقتصادی اکونومیست در تازه‌ترین گزارش